

## کاربرد سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS در مدیریت پیشگیری از جرم کیف-

قاپی (مورد مطالعه شهر بابل سال ۱۳۹۶)<sup>۱</sup>

سیدجلیل نبوی رستاقی<sup>۲</sup>، ناصر بیات<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** جرم کیف‌قاپی یکی از اشکال سرقت است که به لحاظ مکانی بیشتر در قلمرو جغرافیایی شهرها رخ میدهد. هدف این پژوهش تحلیل مکانی-فضایی کیف‌قاپی در شهر بابل، از طریق نقشه‌سازی بر پایه سیستم اطلاعات جغرافیایی، برای دستیابی به رهیافتهای مدیریت پیشگیری از این نوع جرم است. از دیدگاه بسیاری از متخصصان جرم‌شناسی کیف‌قاپی ذیل جرایم شهری خشن طبقه‌بندی می‌شود.

**روش:** پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ منطق گردآوری و پردازش داده‌ها در چارچوب مکتب جغرافیای کمی، به روش توصیفی و تحلیل مکانی-فضایی است. کل جرایم کیف‌قاپی رخ داده در سال ۱۳۹۶ مبنای ایجاد بانک داده برای نقشه‌سازی قرار گرفت. داده‌ها از سامانه GIS فرماندهی انتظامی استان مازندران به عنوان یکی از استان‌های پیش‌رو در این زمینه و همچنین پرونده‌های ثبت شده، گردآوری و با نرم‌افزار ArcGIS تجزیه تحلیل شد. از بیضی انحراف معیار و آزمون مرکز ثقل برای آشکارسازی کانون جرم استفاده شد.

**یافته‌ها:** اکثریت کیف‌قاپان مردان جوان و میانسال، متاهل، بیکار، فاقد تحصیلات دانشگاهی، و دارای سابقه کیفری هستند. از پیرامون به سوی مرکز شهر فراوانی کیف‌قاپی افزایش یافته و مرکز ثقل آن بر مناطق مرکزی شهر انطباق دارد. الگوی روزانه کیف‌قاپی به یک سوم پایانی شبانه‌روز، و الگوی فصلی آن به تابستان متمایل است.

**نتایج:** برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امروزه مدیریت انتظامی در پیشگیری و مقابله با جرایمی چون کیف‌قاپی، نیازمند بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی است؛ تحلیل فضایی کیف‌قاپی در شهر بابل ضرورت پاکسازی نواحی مرکزی شهر بابل از این جرم را آشکار می‌سازد. موفقیت در این زمینه نیازمند بهسازی و نوسازی بافت شهری فرسوده بر پایه اصول پیشگیری وضعی از جرم، و تقویت پیشگیری اجتماعی و کیفری است.

### کلیدواژه‌ها

سیستم اطلاعات جغرافیایی، جغرافیای جرم، تحلیل مکانی-فضایی، کیف قاپی، شهر بابل

۱. این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته "پیشگیری از جرم"، در دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده علوم و فنون انتظامی، است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته پیشگیری از جرم، در دانشگاه علوم انتظامی امین: دانشکده علوم و فنون انتظامی  
mortezanabavi93@gmail.com

۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین، عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران، (نویسنده مسئول) n\_bayat@ut.ac.ir

## مقدمه

کارشناسان سرقت را در سه نوع، سرقت عادی، سرقت به عنف و سرقت مسلحانه تقسیم‌بندی می‌نمایند. ربودن یا تلاش برای گرفتن هر چیز ارزشمندی از یک شخص به زور و یا تهدید که به صورت غیرمنتظره، ناگهانی و گاهی اوقات همراه با ترسانیدن رخ می‌دهد را سرقت به زور یا به اصطلاح سرقت به عنف می‌گویند (ستوده گندشمین، ۱۳۹۵، ص ۵۴). کیف‌قاپی از انواع سرقت جبری است، و می‌توان گفت تا حدودی جرمی جدید است که در نیم قرن اخیر بوجود آمده و رشد چشم‌گیری یافته است. فرد در حالی که از محلی عبور می‌کند به طور غافلگیرانه مورد تهاجم قرار می‌گیرد و علاوه بر ربه‌شدن کیف، بسته، یا کالای همراه وی، دچار آسیب جسمی و روانی نیز می‌شود (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰). در واقع، ربودن هر نوع کیف، بسته یا ساک دستی افراد که به صورت سریع، غافل‌گیرانه و ناگهانی انجام می‌پذیرد را کیف‌قاپی گویند (مقیم، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

آشکار است که محیط و شرایط مکانی هر فضای جغرافیایی یکی از عوامل کلیدی در مطالعات جرم‌شناسی شناخته می‌شود؛ بر این اساس مفهوم جغرافیای جرم در ادبیات علمی بسط یافته است. بر پایه‌ی دیدگاه جغرافیایی می‌توان با آگاهی از قواعد مکانی تاثیرگذار بر وقوع جرم به نقشه‌سازی و تحلیل فضایی با کمک ابزارهایی چون سیستم اطلاعات جغرافیایی مبادرت نمود (باتوراک و مارینویچ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷، ص ۱). این سیستم از نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، بانک داده، لایه‌های اطلاعاتی، متخصصان، مدل‌ها و الگوریتم‌هایی تشکیل شده است که جهت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مکانی از طریق ذخیره‌سازی، بازیابی، بهنگام‌سازی، پردازش، تجزیه و تحلیل، و ارایه خروجی عمل می‌کند (اخباری، ۱۳۸۵، ص ۲). بی‌شک شناسایی علل مکانی تسهیل‌کننده یا

---

1. Butorac & Marinović

ترغیب کننده ارتکاب انواع جرم از جمله کیف قاپی و دستیابی به راهکارهای کارآمد بر حذف آنها، تأثیر بسزایی در افزایش احساس امنیت مردم دارد. شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم خیز به پلیس کمک می‌کند سریع‌تر و موثرتر نسبت وقوع جرم واکنش نشان دهد. لذا این پژوهش با هدف دستیابی به رهیافت‌های پیشگیری از جرم کیف قاپی، کاربرد تحلیل مکانی-فضایی سیستم اطلاعات جغرافیایی و نقشه‌سازی این نوع جرم در شهر بابل را در دستور کار دارد.

بر اساس آخرین داده‌های رسمی مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، شهر بابل با بیش از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت به عنوان دومین شهر بزرگ استان مازندران و از شهرهای مهم و توریستی شمال ایران شناخته می‌شود که علی‌رغم مزیت‌های مختلف با مسائل گوناگونی مانند حاشیه‌نشینی، جرم، بیکاری، اعتیاد، تراکم بالای جمعیت و رشد مسائل اجتماعی روبرو است؛ به طور مثال، بر اساس آمار ناجا در سال ۱۳۹۶، تعداد ۴۸ فقره وقوع کیف قاپی در شهر بابل رخ داده است. پرسش اساسی پژوهش این است که الگوهای مکانی-فضایی جرم کیف قاپی در شهر بابل طی سال ۱۳۹۶ از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ همچنین بر پایه‌ی الگوهای مکانی فضایی جرم کیف قاپی در شهر بابل چه رهیافت‌هایی برای پیشگیری از این نوع جرم لازم است؟

### پیشینه پژوهش

حاتمی‌نژاد و نجفی (۱۳۹۷) در پژوهشی به منظور شناسایی الگوهای مکانی و کانون‌های سرقت جیب‌بری و کش‌روزی در شهر سمنان دریافته‌اند که کانون‌های جرم خیز مربوط به سرقت جیب‌بری و کش‌روزی بیشتر در بخش مرکزی و بازار قدیمی شهر شکل گرفته و از نظر زمانی اوج وقوع این سرقت در روزهای شنبه و چهارشنبه و در ساعت‌های ۹ الی ۱۳ است. از سوی دیگر، بالا بودن میزان کاربری تجاری در افزایش توزیع جغرافیایی، نوع و میزان جرایم، و شکل‌گیری الگوهای فضایی جرم مؤثر بوده است. بر اساس نتایج، آن‌ها معتقدند با ساماندهی و ارتقای سرانه‌های تأسیساتی،

تجهیزاتی و خدماتی، ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، تعریض شبکه معابر و مکانیابی اصولی مراکز انتظامی جهت افزایش نظارت رسمی، می‌توان نسبت به پیشگیری و کنترل موثر این دسته از جرایم اقدام نمود.

جباری، نسترن، محمدی و کلانتری (۱۳۹۷) در پژوهشی به منظور تحلیل ساختار فضایی کانون‌های جرائم سرقت و مواد مخدر شهر تهران به روش چیدمان فضا با تأکید بر شبکه معابر نشان می‌دهند که بیش از ۵۰ درصد از جرایم شهری در محدوده مورد مطالعه مربوط به انواع کیف‌قاپی است و بررسی مؤلفه‌های چیدمان فضا در این کانون‌ها حاکی از آن است که خیابان‌های اصلی و شلوغ با جریان حرکتی بالا، احتمال بیشتری از وقوع جرائم را نسبت به بن‌بست‌هایی با جریان حرکت کم دارا می‌باشند. به طوری که در این محدوده خیابان‌های دارای هم‌پیوندی بالا همچون فردوسی، سعدی و جمهوری شاهد رخداد بالاتری از وقوع جرائم هستند. همچنین کاربری‌های تجاری و خدماتی مهمترین عامل جذب جمعیت و زمینه‌ساز وقوع جرم در این محدوده است.

پرهیز، ضرابی، محمدی و مشکینی (۱۳۹۵) با هدف شناسایی و تحلیل مراکز جرم‌خیز کیف‌قاپی و جیب‌بری در منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران، با کاربرد مدل‌های آماری و سامانه اطلاعات جغرافیایی، ۳۷۲ فقره از این گونه جرایم را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی فضایی جرایم، از الگوی خوشه‌ای و متمرکز پیروی می‌کند. به طوری که چندین مرکز جرم‌خیز در کل منطقه تشکیل شده است. از طرف دیگر، محل وقوع این گونه جرایم، به طور معمول مکان‌های شلوغ و پرازدحام، مانند جلوی بانک‌ها، مراکز تجاری و میدان‌ها است.

مجلسی و مردانی (۱۳۹۱) در پژوهشی مبتنی بر سیستم اطلاعات جغرافیایی با عنوان "شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های بزه کیف‌قاپی، جیب‌بری و کش‌روی در شهر زنجان" ۱۴۰ فقره جرم در این زمینه را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. بر اساس نتایج این

پژوهش، گر چه این نوع جرم در اکثر محله های شهری رخ داده، اما کانون آن بر محدوده های مسکونی و تجاری نواحی مرکزی شهر متمرکز است.

کلاتتری، صالحی، بیات و کرمی (۱۳۸۹) در پژوهشی به منظور تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی دریافته اند که حدود ۵۰ درصد کل جرایم رخ داده در محدوده مورد مطالعه از نوع کیف قاپی و جیب بری است. وجود بازار اصلی زنجان در این محدوده، حضور حجم بالایی از جمعیت جهت خرید، بافت فرسوده و قدیمی پیرامون بازار، نبود دسترسی مناسب، ضعف نظارت رسمی و غیررسمی، و ضعف گشت های منظم پلیسی شرایط مکانی برای انجام این طیف از جرایم را فراهم کرده است.

مونتویا<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی به منظور مدل سازی جرایم شهری، نقش عوامل اقتصادی و ساختار اشتغال و فعالیت های اقتصادی را بر جرایم سرقت مسکونی، جیب بری، کیف قاپی، سرقت خودرو، و سرقت لوازم خودرو مورد بررسی قرار می دهد. نتایج این پژوهش ارتباط مستقیمی میان افزایش تراکم مکان ها و مشاغل آموزشی، هتلداری، رستوران داری، بهداشتی و درمانی، حمل و نقل، اطلاعاتی و ارتباطی، مالی و تجاری و سازمان ها و مراکز دولتی در مناطق شهری با افزایش احتمال جرایم جیب بری و کیف قاپی نشان می دهد.

مونتولی و پلانل-استروس<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) بر اساس نظریه فعالیت روزمره به بررسی جرایم علیه اموال و اشخاص در کشور اسپانیا می پردازد. نتایج پژوهش آن ها ارتباط مستقیمی میان بالا رفتن آمار حضور گردشگر در اسپانیا با افزایش جرایم علیه اموال و اشخاص بویژه جرم کیف قاپی نشان می دهد؛ به طوری که سارقان افراد غریبه و گردشگران را طعمه های مناسب تری برای اهداف مجرمانه خود تشخیص می دهند. یکی از

1. Montoya

2. Montolio & Planells-Struse

راهکارهای پیشنهادی این پژوهش افزایش بودجه و امکانات پلیس در شهرهایی است که پذیرای جمعیت بیشتری از گردشگران وارده به اسپانیا هستند. هادکینسون و تیلای<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در شهر لستر انگلستان بر اساس نظریه سفرهای مجرمانه به تحلیل رفتار فضایی مجرمان و قربانیان سرقت در فضای شهری پرداختند. بر اساس یافته‌های پژوهش، حدود ۳۰ درصد این گونه سرقت‌ها در شعاع ۱۵ دقیقه‌ای از محل سکونت قربانیان، و ۷۰ درصد دیگر خارج از محدوده سکونت آنها رخ داده است. نتایج این پژوهش ارتباط تنگاتنگی میان میزان جابجایی افراد و افزایش جرم علیه آن‌ها نشان می‌دهد.

### مبانی نظری: نظریه‌های مکانی و جرم

پیشگیری موقعیت‌مدار از جرم با کاربرد روش‌ها و تکنیک‌های خاص در پی کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های مکانی جرم و جنایت در محیط یا فضای جغرافیایی است. پیشگیری وضعی به دنبال تغییر در شرایط یا ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها، به منظور کاهش، یا جلوگیری از جرم است. با در نظر گرفتن مثلث جرم این رویکرد بر ضلع مکان یا محیط وقوع جرم تمرکز دارد و آن را در اولویت قرار می‌دهد. رویکرد پیشگیری وضعی از دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط نهادهای پیشگیری از جرم بریتانیا مورد توجه قرار گرفت و ادبیات آن توسط افرادی چون کلارک<sup>۲</sup> طی چند دهه گذشته گسترش یافت؛ این رویکرد از اصول نظریه‌های مطرح در جرم‌شناسی محیطی مانند فعالیت‌های روزمره، انتخاب منطقی، سبک زندگی، و پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بهره‌گیری می‌کند (بیات، ۱۳۹۷، ص ۶۹). در سال ۲۰۰۳ کورنیش و کلارک ۵ استراتژی و ۲۵ تکنیک اجرایی پیشگیری وضعی را تشریح کردند شامل: ۱- افزایش دشواری (تلاش مورد نیاز) انجام جرم، ۲- افزایش ریسک/خطر ارتکاب

1. Hodgkinson & Tilley

2. Clarke

جرم، ۳- کاهش دستاورد (پاداش/منفعت) انجام جرم، ۴- کاهش تحریک/ یا محرک های انجام جرم، ۵- از بین بردن بهانه/توجیه انجام جرم (کلارک و اک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). در این رویکرد تغییراتی در طراحی و مدیریت این مکان ها ایجاد می شود تا بتوان با هزینه اجتماعی و اقتصادی کمتر، از وقوع جرم پیشگیری کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴۲).

**نظریه انتخاب عقلانی:** بر پایه ی این نظریه، فرد پیش از اقدام به عمل مجرمانه تفکر می کند و منافع و هزینه های ارتکاب جرم را برآورد می نماید (محمدنسل، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸). به عبارت دقیق تر مطابق نظریه انتخاب منطقی/عقلانی مجرمان در فضای شهری به طور هدفمند به جستجوی طعمه های خود می پردازند، هر کجا طعمه یا قربانی را شناسایی کنند، میزان خطر انجام عمل مجرمانه را ارزیابی (اصل هزینه-فایده) نموده و در زمان و مکانی که میزان ریسک یا خطر انجام جرم کاهش می یابد به انجام عمل مجرمانه اقدام می کنند.

**نظریه فعالیت روزمره<sup>۲</sup>:** کوهن و فلسون<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۹ این دیدگاه را مطرح کردند که سبک زندگی روزمره ی مردم و رفت و آمدهای روزانه ی آن به مکان های گوناگون (مانند: محل کار، مدرسه، دانشگاه، بازار و مراکز خرید، مکان های تفریحی) سبب فراهم ساختن فرصت های مجرمانه برای مجرمان می شود؛ در زمان و مکانی که که مثلث جرم (شامل: انگیزه مجرمان، مکان، آماج جرم یا قربانی) تکمیل می شود احتمال وقوع جرم افزایش می یابد (کلارک و فلسون، ۲۰۰۴).

**نظریه فضای فعالیت و فضای آگاهی<sup>۴</sup>:** "فضای فعالیت" و "فضای آگاهی" در چارچوب جرم شناسی محیطی توسط برانتینگهام<sup>۱</sup> و همکاران وی مطرح شد. فضای

- 
1. Clarke & Eck
  2. Routine activity theory
  3. Cohen & Felson
  4. Activity Space & Awareness Space

فعالیت، قلمروی است که به طور معمول مردم انواع فعالیت‌های روزانه‌ی خود را در محدوده‌ی آن انجام می‌دهند. تفاوت در فضای فعالیت مردم، سبب شکل‌گیری رفتارهای فضایی متفاوت در محیط می‌شود. "فضای آگاهی" افراد تحت تاثیر فضای فعالیت و دانش افراد از محیط شکل می‌گیرد. مطالعات برانتینگهام و همکاران وی در کانادا و آمریکای شمالی نشان داد که مجرمان/بزه‌کاران بیشتر تمایل به یافتن طعمه، قربانی یا اهداف مجرمانه در محدوده گره‌ها، مسیرها، لبه‌ها (کناره یا مرز) موجود در فضای فعالیت و فضای آگاهی خود دارند (بیات، ۱۳۹۷، ص ۶۳). مطابق این نظریه، مجرمان سطح آگاهی خود را نسبت به محیط پیرامون افزایش می‌دهند. پس از شناسایی فرصت، هدف کم‌خطرتر را از بین اهداف مجرمانه انتخاب می‌کنند (رحمت، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲).

**نظریه پنجره‌های شکسته<sup>۲</sup>:** در اوایل سال ۱۹۸۲ ماهنامه آتلانتیک در آمریکا، مقاله‌ای با عنوان پنجره‌های شکسته منتشر کرد که نویسندگان آن جیمز ویلسون و جورج کلینگ<sup>۳</sup> یکی متخصص مدیریت شهری و دیگری متخصص جرم‌شناسی بود. آن‌ها استدلال کردند نابسامانی محیطی و ضعف در کنترل اجتماعی محرک جرم و بی‌نظمی اجتماعی است. به عنوان مثال، اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود کسی که انگیزه قانون‌شکنی و هنجارشکنی دارد با مشاهده بی‌تفاوتی جامعه به این مساله دست به شکستن شیشه دیگری خواهد زد. دیری نمی‌پاید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آنومی، آناشستی، بی‌قانونی و هرج و مرج از خیابانی به خیابانی دیگر و از محله‌ای به محله‌ی دیگر گسترش یافته و با خود علایم و پیام‌هایی برای ایجاد بی‌نظمی اجتماعی در پی خواهد داشت. به عبارتی بزه‌کاران این پیام را دریافت می‌کنند

1. Brantingham
2. Broken Window Theory
3. James Q. Wilson & Kelling



که، هر هنجارشکنی و جرمی را می‌توانند مرتکب شوند بدون آن که کسی مزاحم آن‌ها شود (بیات، ۱۳۹۷، ص ۶۴). در نتیجه، بزه‌کاران با دیدن آشفتگی‌های ظاهری محیط، ساختمان‌های متروکه، ناسزاهای نوشته شده بر روی دیوارها و یا تجمع مردمان بی‌سرپناه در محله، نظارت و کنترل اجتماعی را ضعیف ارزیابی می‌کنند و برای انجام اعمال مجرمانه خود جذب این مکان‌ها می‌شوند (کلاتتری، قزلباش و حجی ملایری، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

**نظریه کانون‌های جرم‌خیز<sup>۱</sup>:** مرکز کاهش بزه‌کاری وزارت کشور انگلستان، کانون جرم‌خیز را به این شرح تعریف کرده است: "یک ناحیه جغرافیایی که در آن وقوع جرم و بزه‌کاری بیش از حد معمول است". مطابق این تعریف "کانون جرم‌خیز" محدوده‌ی مشخص و معینی است که فراوانی بالاتری از کل جرایم را در خود جای داده است (توکلی، ۱۳۸۴، ص ۴).

**نظریه مکان ویژه:** این نظریه در دهه ۱۹۶۰ توسط شاول<sup>۲</sup> و مک‌کی<sup>۳</sup> مطرح شد. آنها در طی تحقیقات خود دریافتند، میزان جرایم در مکان ویژه و علی‌الخصوص در بخش مرکزی شهرها، بیشتر از بقیه مکان‌ها است و هرچه از بخش مرکزی دور می‌شویم از میزان جرایم کاسته می‌شود (شکویی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۲).

**نظریه ساخت شهر در دایره‌های متحدالمرکز<sup>۴</sup>:** این نظریه نخستین بار توسط ارنست برگس<sup>۵</sup> نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در حوزه مطالعات شهری، در ارتباط با شهر شیکاگو ارایه شد. بر اساس این نظریه شهر به پنج منطقه تقسیم می‌شود که با فاصله گرفتن از دایره مرکزی هر منطقه به صورت دایره‌ای دیگر حول منطقه قبلی شکل

1. Crime Hotspots
2. Shaw
3. Mc key
4. Concentric Zone Theory
5. Ernest Burges (1886-1966)

می‌گیرد. از منطقه مرکزی به سمت مناطق بیرونی کیفیت زندگی شهری در همه ابعاد کاهش می‌یابد. برگس معتقد بود در ابتدای پیدایش شهر، همه فعالیت‌های تجاری و صنعتی، همچنین منطقه واحدهای مسکونی در داخل دایره اول به وجود می‌آید. با گذشت زمان و توسعه تدریجی شهر، دایره اولی را دایره دیگری احاطه می‌کند، زیرا مردم با افزایش شلوغی ناشی از فعالیت‌های بازرگانی، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و مراکز حمل و نقل، هم‌چنین ایجاد هتل‌ها، سینماها و مراکز تفریحی، و غیره ناگزیر به منطقه دیگری که در داخل دایره دوم قرار دارد نقل مکان می‌کنند. بر اساس این نظریه مناطق نزدیک به منطقه درونی/مرکزی شهر بیشترین شیوع مسائل اجتماعی را دارند؛ بویژه بیکاری، فقر، فساد، روسپیگری، وابستگی اجتماعی، بیماری، جرم و جنایت. همچنین ضعف کنترل اجتماعی و درجه بی‌سازمانی اجتماعی در این منطقه از شهر بیشتر از دیگر مناطق است (ویتو، ماهس و هولمز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، صص ۱۴۸-۱۴۷).

### روش شناسی

پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ منطق گردآوری و پردازش داده‌ها در چارچوب مکتب جغرافیای کمی، به روش توصیفی و تحلیل مکانی-فضایی انجام شده است. هجرستراند (۱۹۷۳) از صاحب‌نظران مکتب جغرافیای کمی گرا، تحلیل فضایی را کاربرد روش‌های کمی در مطالعه دقیق و عمیق الگوهای نقطه‌ای، خطی، و مساحتی بر روی نقشه بیان کرد (نقل از علیجانی، ۱۳۹۴، ص ۲). به منظور ارایه شناخت و توصیف لازم از جغرافیای جرم کیف‌قایی در شهر بابل نخست آمار جرایم کیف‌قایی در بازه زمانی یکساله ۱۳۹۶ به تعداد ۴۸ مورد تهیه شد و با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS موقعیت مکانی و زمانی هر مورد از جرم بر روی نقشه شهری بابل به طور تمام شمار مشخص گردید. سپس با استفاده از تکنیک‌های نقشه‌سازی جرم شامل الگوهای

پراکنده، نقطه‌ای و خوشه‌ای، نقشه جرم کیف قاپی ترسیم شد. نقشه جرم مبنای توصیف و تجزیه و تحلیل یافته‌ها قرار گرفت. همچنین از داده‌های ثبت شده در پرونده جرایم کیف قاپی، برای شناخت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان و مجرمان، و همچنین کمک به ارایه تحلیل‌های مستند از جغرافیای جرم در شهر بابل بهره‌گیری شد. با استفاده از آزمون شاخص‌های مرکزی در تحلیل مکانی-فضایی مرکز ثقل جرم کیف قاپی شناسایی شد و از ترسیم بیضی انحراف معیار برای تحلیل سطوح پراکندگی مکان‌های وقوع کیف قاپی در شهر بابل استفاده شد. در این آزمون اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن جهت حرکت رفتار مجرمانه را نشان می‌دهد.

### یافته‌های پژوهش

**ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان و مجرمان کیف قاپی.** بر اساس یافته‌ها اکثریت ۶۲/۵ درصدی از قربانیان جرایم کیف قاپی زن هستند، به لحاظ سنی اکثریت ۷۵ درصدی از آن‌ها کمتر از ۴۰ سال سن دارند و حدود ۷۱ درصد متاهل به شمار می‌آیند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی قربانیان جرایم کیف قاپی در شهر بابل-۱۳۹۶

تاهل		سن			جنسیت	
مجرد	متاهل	≤۴۰	۳۹-۲۵	۱۵-۲۴	زن	مرد
۳۰/۲٪	۷۰/۸٪	۲۵٪	۴۱/۷٪	۳۳/۳٪	۶۲/۵٪	۳۷/۵٪

بررسی پرونده جرایم کیف قاپی رخ داده در سال ۱۳۹۶ در شهر بابل نشان می‌دهد که اکثریت ۹۸ درصدی از مجرمان مرد هستند. به لحاظ سنی بیش از سه چهارم آن‌ها بین ۱۵ تا ۳۹ سال سن دارند. اکثریت ۷۵ درصدی از مجرمان کیف قاپ در بابل متاهل هستند. ۹۱/۶ درصد آن‌ها فاقد تحصیلات دانشگاهی به شمار می‌آیند؛ همچنین ۹۳/۷ درصد بیکار و اکثریت ۸۵/۴ درصدی از آن‌ها داری سابقه کیفری هستند (جدول ۲).

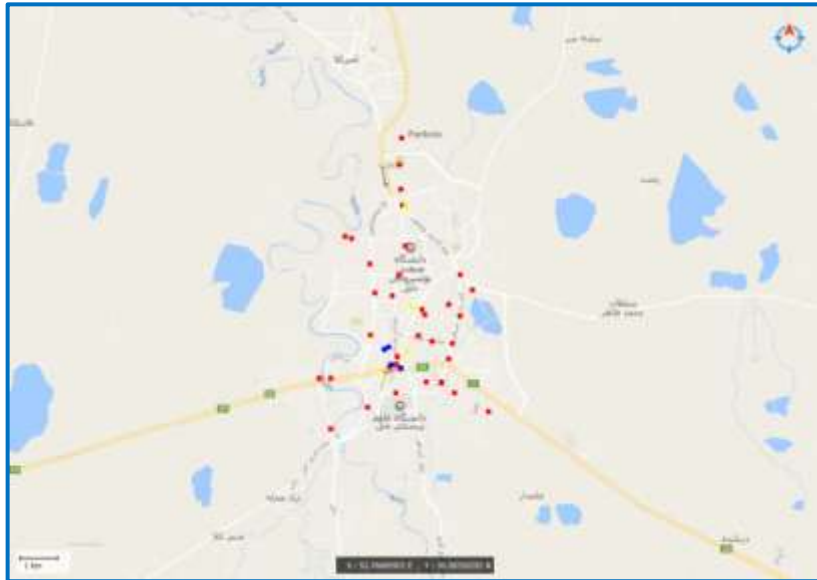
جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی مجرمان کیف قاپی در شهر بابل-۱۳۹۶

سابقه کیفری		وضعیت شغلی		تحصیلات		تاهل		سن			جنسیت	
بدون سابقه	سابقه‌دار	شاغل	بیکار	تحصیلات	دانشگاهی	متاهل	متاهل	۱۶-۲۰	۲۱-۲۵	۲۶-۳۰	مرد	زن
۱۴/۶	۸۵/۴	۶/۳	۹۳/۷	۸/۴	۹۱/۶	۲۵/۰	۷۵/۰	۱۹/۸	۴۵/۸	۳۴/۴	٪۹۸	٪۲
%	%	%	%	%	%	%	%	%	%	%		

### پراکندگی مکانی-فضایی سرقت کیف قاپی در شهر بابل

نحوه پراکندگی محل ارتکاب جرم کیف قاپی در محدوده شهر بابل بیانگر این نکته مهم و اساسی است که، فراوانی کیف قاپی از حاشیه شمالی شهر به سمت مرکز افزایش می‌یابد. همچنین در حاشیه جنوبی شهر تراکم کیف قاپی از سایر نقاط شهر بیشتر می‌باشد ضمن اینکه از حاشیه‌های شرقی و غربی به سمت مرکز شهر بابل تراکم وقوعات افزایش می‌یابد؛ در بررسی‌های تکمیلی مشخص می‌گردد که یک کانون جرم در حوالی امامزاده قاسم و بلوار آیت‌الله روحانی تشکیل شده است که به صورت شمالی-جنوبی است، و از شمال به امامزاده قاسم، خیابان شهید مطهری و اندیشه ۲ منتهی می‌گردد و از جهت جنوب به محدوده بین خیابان‌های آیت‌الله روحانی و آیت‌الله خمینی منتهی می‌شود. از جمله دلایل بالا بودن میزان کیف قاپی در بخش جنوب و جنوب شرقی شهر، خیابان‌هایی مانند مدرس، نواب، ۲۲ بهمن و بلوارهایی همچون بلوار امام رضا، طالقانی و شیخ طبرسی است که به نظر می‌رسد باعث قدرت مانور بیشتر سارقان و سرعت عمل در فرار شده است. همچنین به دلیل ویژگی خاص بافت شهری و استقرار دانشگاه علوم پزشکی، بیمارستان و ادارات مختلف در این ناحیه از شهر، پراکندگی مکانی کیف قاپی به صورت متراکم‌تر درآمده و سارقان با انتخاب

عقلانی و اینکه احتمال موفقیت خود را در عمل مجرمانه مساعد می بینند در این نواحی فعال تر بوده و آمار وقوعات بیشتر است (نقشه ۱).

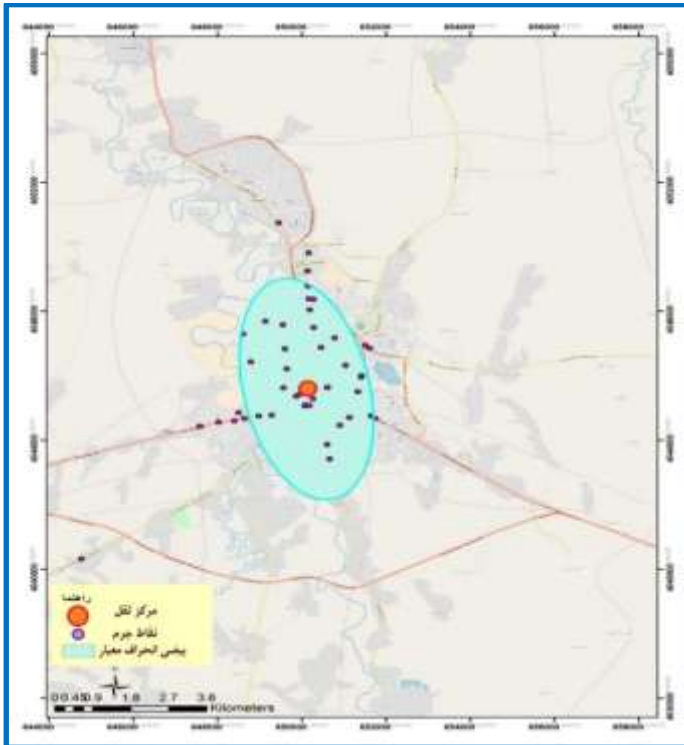


نقشه ۱. پراکندگی نقطه ای کیف قاپی در شهرستان بابل - ۱۳۹۶

### مرکز ثقل و بیضی انحراف معیار جرم کیف قاپی

با استفاده از آزمون مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار مرکز ثقل کیف قاپی و محدوده بیضی انحراف معیار در شهر بابل ترسیم شد؛ این محدوده در منطقه ای قرار گرفته است که از شمال به خیابان آیت اله سعیدی از جنوب به خیابان فرهنگ ۴ از شرق به خیابان امام خمینی و از غرب به خیابان مدرس منتهی می شود؛ محدوده ای که تقریباً در مرز بین حوزه کلانتری های ۱۱ شریعتی و ۱۲ کشاورز و ۱۳ مدرس قرار گرفته است. جهت کانون جرم کیف قاپی در شهر بابل به صورت شمالی-جنوبی است. به طوری که، از جهت شمالی به آستانه امامزاده قاسم، خیابان شهید مطهری و اندیشه ۲ و در جهت جنوبی به محدوده بین خیابان های آیت اله روحانی و آیت اله خمینی منتهی

می‌گردد. بیضی انحراف معیار کیف قاپی دارای کشیدگی به سمت شمال و جنوب شهر است. این کشیدگی در حوزه کلانتری های ۱۳، ۱۲، و ۱۱ شهر می‌باشد (نقشه ۲). از مهمترین ویژگی‌های محدوده جرم خیز شهر بابل می‌توان به همپوشانی با بافت سنتی و قدیمی شهر، مکان‌گزینی اکثریت ادارات دولتی، وجود مراکز مهم مذهبی شهر، وجود بازار و بزرگ‌ترین فضاهای تجاری، قرار داشتن اکثریت بانک‌ها و موسسات مالی و مراکز تفریحی و ورزشی، اشاره کرد.



نقشه ۲. پراکندگی فضایی، مرکز ثقل، و بیضی انحراف معیار جرم کیف قاپی در شهر بابل -

۱۳۹۶

مساحت زیادی از بافت سنتی و قدیمی شهر بابل در قلمرو کانون جرم واقع شده، که دارای کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ است. این وضعیت سبب شکل‌گیری نقاط کور

افزایش نقاط بی دفاع و تضعیف کنترل اجتماعی و کنترل انتظامی در این محدوده شده است. وجود ادارت مهم و پر مراجعه مانند دادگستری بابل، شهرداری، فرمانداری، آموزش و پرورش، شرکت مخابرات و غیره در این محدوده باعث گردیده که حجم تردد شهروندان در حوزه آنها در ایام غیر تعطیل افزایش چشمگیری داشته باشد. مکان های مذهبی مهم شهر مانند امامزاده قاسم، پیرعلم، مصلی و مساجد و تکایای بزرگ در این منطقه قرار دارد، که اغلب روزها بویژه روزهای تعطیل و نیمه تعطیل و در ساعات پایانی روز و اوایل شب تردد در این مراکز قابل ملاحظه است. قرارگیری بازار بزرگ بابل، بازار میوه و تره بار و محصولات کشاورزی، و دیگر مراکز تجاری و مالی مهم شهر سبب شده فراوانی آماج های کیف قاپی در این محدوده افزایش یابد. اکثر بانک ها در محدوده مرکزی شهر و در قلمروی که منطبق بر کانون جرم خیز است قرار دارند و مشتریان بانک ها همواره یکی از مهمترین قربانیان مجرمان کیف قاپ به شمار می آیند. همچنین در میدان شیرخورشید یا هلال احمر که به نوعی مسیر ارتباطی بین شهر بابل با شهرهای اطراف می باشد، کانون حمل و نقل عمومی شهر بابل برای دسترسی به قسمت های مختلف شهر نیز شناخته می شود و حضور انبوهی از مسافر را سبب می شود. استقرار پارک و بوستان های مهم و بزرگ شهر مانند پارک شهرداری، پارک شهید شکری، پارک سراج و باغ فردوس، پارک شادی، باغ شهرداری، پارک بانوان و مراکز ورزشی مانند استادیوم تختی در این محدوده یکی از دلایل حضور شهروندان بویژه در ساعات اولیه شب در سطح خیابان ها شده که این تردها موجب توجه کیف قاپان می گردد. وجود دانشگاه های علوم پزشکی، تربیت معلم، نوشیروانی بابل و دیگر مراکز آموزشی هم یکی از دلایل شلوغی و تراکم بالای جمعیت در این محدوده شناخته می شود.

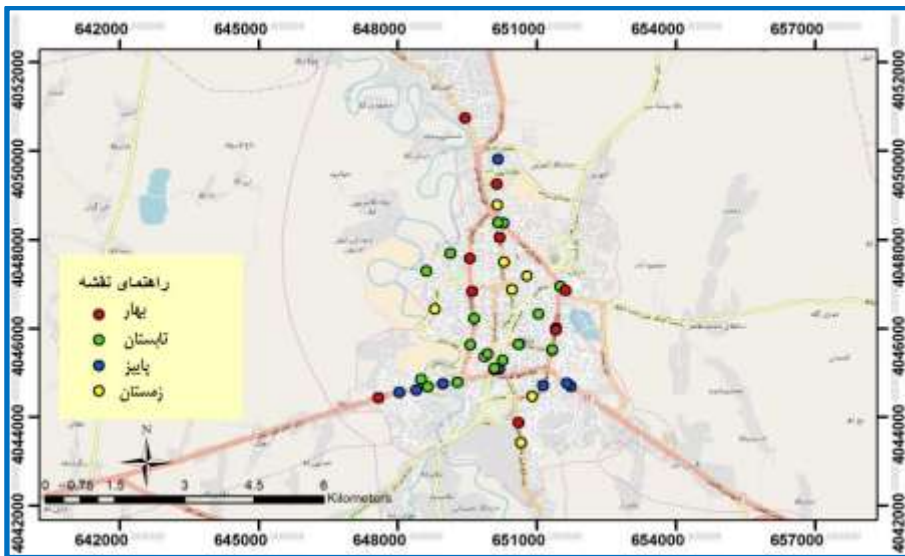
### تحلیل زمانی کیف قاپی در شهر بابل

از آنجایی که تجزیه و تحلیل مکان و زمان وقوع جرم از عناصر کلیدی در تحلیل فضایی جغرافیای جرم شناخته می‌شود، تحلیل وقوع جرایم کیف‌قاپی در شهر بابل بر اساس، روز، هفته، ماه و فصل در دستور کار قرار گرفت. برابر استانداردهای تقسیم بندی بازه زمانی که در سامانه‌های ناجا، هر شبانه روز از ساعت ۲۴۰۰ به ۶ بازه زمانی ۴ ساعته تقسیم می‌شود. بازه زمانی ۲۴-۲۰ با تعداد ۴۳/۷۵ درصد میزان وقوع کیف‌قاپی در رتبه اول و بازه زمانی ۲۰-۱۶ هم با ۲۰/۰۸ وقوع در رتبه دوم قرار گرفتند. بنابراین در مجموع حدود ۶۴ درصد این نوع از جرایم در یک سوم پایانی شبانه روز از ساعت ۱۶ تا ۲۴ رخ می‌دهد، به طوری که هرچه ساعات پایانی روز نزدیک می‌شود، احتمال وقوع جرم کیف‌قاپی افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که روزهای پنج‌شنبه و شنبه زمان اوج وقوع کیف‌قاپی در کل شهر بابل است. به طوری که ۴۱/۶۶ درصد وقوع کیف‌قاپی طی این دو روز رخ داده است.

به نظر می‌رسد عامل تاریکی شب می‌تواند نقش تاثیرگذاری بر افزایش آمار کیف‌قاپی طی این بخش از شبانه روز داشته باشد. همچنین ساعت ۲۰۰۰ با تعویض شیفت گشت‌های پلیس همزمان است و به نظر می‌رسد طی این جابجایی نوعی خلاء موقت در حضور فیزیکی پلیس در فضای شهری ایجاد می‌شود و سارقان کیف‌قاپ از این خلاء به عنوان فرصتی جهت ارتکاب جرم استفاده می‌کنند. شواهد موجود در پرونده‌های ثبت شده نیز نشان می‌دهد که سارقان حرفه‌ای نسبت به این وضعیت آگاهی دارند و با شناسایی خلاءها و فرصت‌های زمانی مناسب، اقدام به کیف‌قاپی می‌نمایند. ترک خانه برای تفریح یا گردش، شرکت در بازارهای شبانه و خرید، بازگشت طیف وسیعی از کارمندان و کارگران از محل کار به خانه برخی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر رشد کیف‌قاپی در ساعات یاد شده است.



همچنین بررسی آمار ماهانه کیف قاپی در شهر بابل نشان می‌دهد، در ماه‌های مرداد احتمال وقوع جرم کیف قاپی به اوج می‌رسد؛ به طوری که طی تابستان ۱۳۹۶ در مجموع ۴۷/۹۱ درصد از جرایم کیف قاپی شهر بابل به ثبت رسیده است، و فصل‌های پاییز و زمستان و بهار تقریباً به یک میزان وقوع دارند (نقشه ۳). از دلایل این مساله می‌توان به افزایش حجم مسافر و گردشگر در این سه ماه از سال اشاره کرد به طوری که حجم سفر به استان مازندران و از جمله شهر بابل، به عنوان یکی از قطب‌های اصلی گردشگری در کشور، طی این برهه زمانی از سال به اوج می‌رسد. این مساله علاوه بر افزایش آماج جرم، سبب بالا رفتن حجم فعالیت و مشغله‌ی کاری نیروهای پلیس می‌شود و بر این اساس رشد فرصت‌های لازم برای وقوع جرم کیف قاپی را در پی دارد.

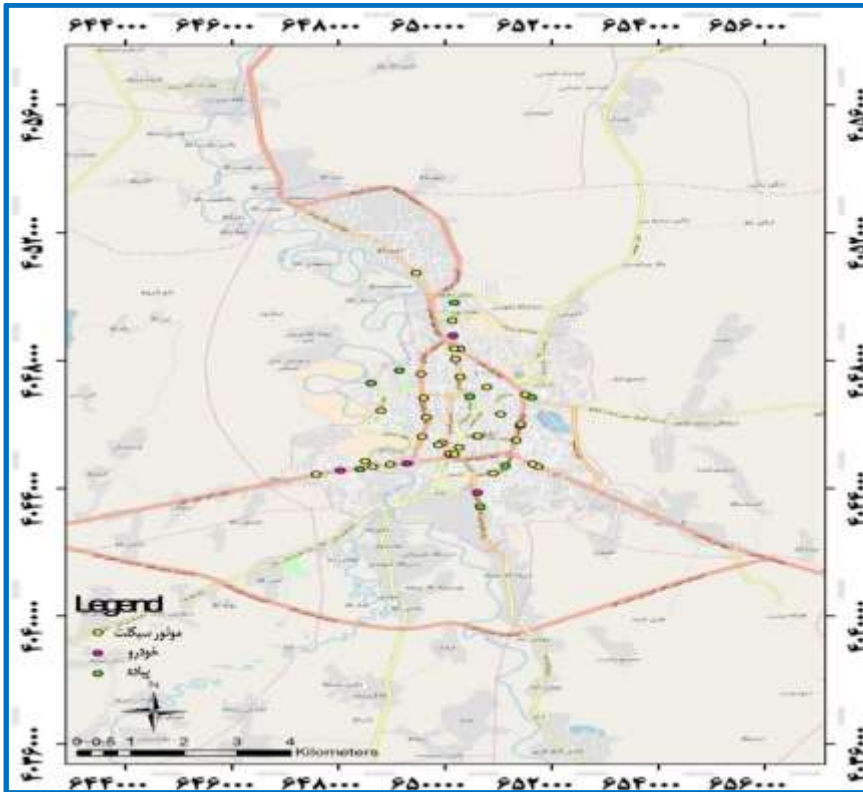


نقشه ۳. پراکندگی مکانی جرم کیف قاپی در شهر بابل بر اساس فصل وقوع - ۱۳۹۶

### تحلیل فضایی کیف قاپی بر اساس ابزار و شیوه انجام جرم در شهر بابل

با دسته‌بندی وقوعات کیف قاپی در شهرستان بابل بر اساس نوع وسیله نقلیه به کار گرفته شده توسط کیف‌قاپان مشخص گردید که در سال ۱۳۹۶ در شهر بابل ۱۶/۶۶ درصد به صورت پیاده یعنی بدون هیچ وسیله نقلیه‌ای، ۱۰/۴۱ درصد با خودرو و ۷۲/۹۱ درصد با استفاده از موتورسیکلت انجام شده است؛ این وضعیت نشان می‌دهد که کیف‌قاپان هم مانند سایر مجرمان افرادی حسابگر هستند و می‌دانند که استفاده از موتورسیکلت به دلیل قدرت مانور بالای آن احتمال دستگیری و خطرپذیری را کاهش می‌دهد و سرعت عمل در فرار را بالا می‌برد. از نکات قابل توجه اینکه در بخش مرکزی و بافت متراکم شهر اغلب جرایم کیف‌قاپی با استفاده از موتورسیکلت رخ داده است؛ زیرا قدرت مانور این نوع وسیله نقلیه در این گونه نواحی شهری بسیار بالاتر است. اغلب کیف‌قاپی‌های انجام شده به صورت پیاده و همچنین با استفاده از خودرو خارج از بافت مرکزی شهر، در کمربندی‌ها و خیابان‌ها و گذرهای خلوت رخ داده است (نقشه ۴).

سرانجام، با دسته‌بندی وقوعات کیف‌قاپی در شهرستان بابل بر اساس تعداد کیف‌قاپان در هر مورد جرم مشخص شد در سال ۱۳۹۶ در شهر بابل تعداد ۲/۰۸ درصد کیف‌قاپی به صورت سه نفره، ۴۱/۶۶ درصد به صورت دو نفره و ۳۸/۲۶ درصد به صورت انفرادی رخ داده است؛ این وضعیت نشان می‌دهد اکثریت بالایی از کیف‌قاپی‌ها به صورت یک و دو نفره انجام شده است؛ از دلایلی که به طور معمول کیف‌قاپ‌ها انفرادی و یا دو نفره اقدام به کیف‌قاپی می‌نمایند، این است که در کیف‌قاپی هرچه تعداد سارقین کمتر باشد قدرت مانور و خطرپذیری کمتر خواهد بود. این موضوع برخلاف سرقت‌هایی چون سرقت منزل می‌باشد که هر چه تعداد سارقین بیشتر باشد برنامه‌ریزی، سرعت عمل مجرمانه از طریق توزیع وظایف بین اعضای گروه بالا می‌رود و انجام سرقت با خطرپذیری کمتری همراه خواهد شد.



نقشه ۴. پراکندگی مکانی وقوع جرم کیف قاپی در شهر بابل بر اساس نوع وسیله نقلیه در سال ۱۳۹۶

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سرقت کیف قاپی به عنوان یکی از اشکال جرم علیه اموال شهروندان در فضای شهری به روش تحلیل فضایی مورد بررسی قرار گرفت. کیف قاپی را می توان در ذیل جرایم شهری خشن علیه اموال و اشخاص دسته بندی کرد که می تواند آسیب جسمی و روانی بری قربانیان در پی داشته باشد. همچنین این شکل از جرایم شهری می تواند سبب ایجاد ترس از جرم در فضای شهری شود.

شهر بابل به عنوان دومین شهر بزرگ استان مازندران در شمال ایران به عنوان محدوده مطالعاتی انتخاب شد. برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت بالایی از قربانیان زن و متاهل هستند و دو سوم آن‌ها کمتر از ۴۰ سال سن دارند. همچنین اکثریت ۹۸ درصدی از مجرمان کیف‌قاپی مردانی هستند که بین ۱۵ تا ۴۰ سال سن دارند؛ دو سوم آن‌ها متاهل به شمار می‌آیند و بیش از ۹۰ درصد فاقد تحصیلات دانشگاهی، بیکار و دارای سابقه کیفری هستند.

الگوی پراکنش مکانی جرم در فضای شهر بابل از نواحی و محله‌های پیرامونی به سمت مرکز شهر متراکم‌تر می‌شود؛ این وضعیت سبب قرار گرفتن مرکز ثقل جرم کیف‌قاپی در محدوده مرکزی و بافت قدیمی شهر شده و بیضی انحراف معیار نیز دربرگیرنده مرکز ثقل وقوع جرم است که در همپوشانی با یکدیگر قانون جرم‌خیز کیف‌قاپی را تشکیل می‌دهند. از این نگاه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که الگوی مکانی-فضایی جرم در شهر بابل با نظریه دوایر متحد‌المركز ارنست برگس همخوانی دارد. همان‌طور که در ادبیات پژوهش بیان شد بر اساس این نظریه الگوی بزهکاری در نواحی شهری منطبق بر منطقه مرکزی شهر است که مراکز اداری، تجاری، مالی، حمل و نقل و کسب و کار را در خود جای می‌دهد، و به دلیل حجم بالایی از تردد روزانه شهروندان به این منطقه و همچنین بافت کالبدی قدیمی و نامنظم سبب شکل‌گیری انواع آماج جرم و تضعیف کنترل اجتماعی و انتظامی می‌شود. همچنین از یک منظر می‌توان الگوی جرم کیف‌قاپی در بابل را با نظریه مکان ویژه شاو و مک کی نیز مقایسه کرد، که الگوی بزهکاری را منطبق بر مناطق مرکزی و قدیمی شهر می‌داند.

تحلیل الگوی زمانی جرم نشان می‌دهد که به طور روزانه یک سوم پایانی شبانه‌رو از ساعت ۱۶ تا ۲۴ نمودار وقوع جرم کیف‌قاپی روند صعودی می‌یابد. این بخش از یافته‌ها را می‌توان با نظریه فرصت جرم منطبق دانست. به طوری نظریه فرصت مجرمانه

حاصل تجمیع سه دیدگاه جرم شناسی محیطی شامل فعالیت روزمره، الگوی جرم و انتخاب عقلانی است. یکی از اصول ده گانه نظریه فرصت جرم تقارن زمانی و مکانی است (محمد نسل، ۱۳۸۶، ۳۰۵)؛ به طوری که افراد دارای انگیزه‌های مجرمانه آماج و اهداف خود را با در نظر گرفتن مکان و زمان مناسب انتخاب می‌کنند. در این پژوهش نیز با نزدیک شدن به ساعات شب و هم عامل تاریکی هوا به تکمیل مثلث جرم می‌انجامد و احتمال وقوع کیف‌قاپی را افزایش می‌دهد. خلاء ناشی از حضور فیزیکی پلیس و ضعف کنترل اجتماعی و کنترل انتظامی در بالا بردن فرصت‌های مجرمانه در ساعات پایانی روز عامل مهم دیگر محسوب می‌شود.

بالا رفتن آمار جرایم کیف‌قاپی در فصل تابستان با نتایج پژوهشی چون مونتولی و پلانل-استروس (۲۰۱۳) همخوانی دارد. به طوری که افزایش حجم مسافر و گردشگر در شهر یکی از علل بالا رفتن جرایمی چون کیف‌قاپی می‌شود. در شهر بابل نیز به دلیل حجم بالای سفرهای تعطیلات تابستان به شمال کشور از یک سو آماج جرم را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر این سفرها از طریق بالا بردن حجم ماموریت‌های پلیسی سبب خلاء حضور فیزیکی پلیس و کاهش گشت‌های منظم در محدوده‌های جرم خیز شده و بر این اساس شرایط مساعد برای وقوع جرایمی چون کیف‌قاپی را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که موتورسیکلت مهمترین وسیله یا ابزار وقوع جرم کیف‌قاپی در شهر بابل است. این بخش از یافته‌ها با مطالعات افرادی چون حاتمی‌نژاد و نجفی (۱۳۹۷)، جباری و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی و مشکینی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. به طوری که در این پژوهش‌ها نیز موتورسیکلت به عنوان مهمترین ابزار یا وسیله تسهیل‌کننده جرم کیف‌قاپی شناخته شده است.

سرانجام بر پایه‌ی یافته‌ها و نتایج پژوهش مهمترین پیشنهادهای کاربردی برای پیشگیری از جرم کیف‌قاپی در شهر بابل به شرح زیر ارائه می‌شود:

- احیای بافت فرسوده مناطق مرکزی شهر و تمرکززدایی حجم فعالیت‌های خدماتی و اقتصادی از این محدوده
- تغییر و بازنگری در رویه مدیریت گشت‌های انتظامی
- تقویت اشراف اطلاعاتی پلیس بر کانون جرم کیف‌قاپی در شهر بابل و شناسایی مجرمان بالقوه
- اجرای طرح مهار توسط پلیس در مسیرهای خروجی کانون جرم خیز
- ایجاد ایست و بازرسی در خیابان‌های حاشیه کانون جرم خیز متناسب با الگوی مکانی و زمانی کیف‌قاپی در شهر
- اجرای طرح توقیف موتورسیکلت‌های متخلف با سرنشین جوان بویژه در مناطق مرکزی شهر و خیابان‌های منتهی به کانون جرم
- تقویت راهبردها و تاکتیک‌های پیشگیری وضعی در بافت فرسوده شهری
- تقویت تعامل با سازمان‌های مرتبط با پیشگیری از جرم در راستای تقویت مراقبت‌های غیر رسمی
- تقویت پایش محیط شهری از طریق افزایش دوربین‌های مدار بسته بویژه در نواحی جرم‌خیز
- کاهش آماج‌های جرم کیف‌قاپی از طریق آموزش و پیشگیری اجتماعی در رسانه‌ها، مدارس، و فضای شهری
- تشدید برخورد قضایی با موتورسیکلت‌های دارای پلاک مخدوش
- تشدید برخورد قضایی با خریداران اشیای سرقت شده بویژه گوشی تلفن همراه و طلاجات و محتویات کیف‌های سرقت شده
- تقویت سیستم پایش/مانیتورینگ مستقیم پلیس از طریق دسترسی به همه دوربین‌های نصب شده در اماکن و فضاهای عمومی شهر

- تقویت نقش شورای تامین در برنامه‌ها و اقدامات پیشگیری از سرقت بویژه کیف‌قاپی
- تمرکز بر استفاده گشت‌های موتوری پلیس در کانون‌های جرم خیز و بافت فرسوده شهری
- بکارگیری سیاست‌ها و تدابیر تشویقی برای آن دسته کارکنان یا واحدهای گشتی که موفق به دستگیری افراد کیف‌قاپ می‌شوند
- تقویت منابع سازمانی پلیس در تابستان و یک سوم پایانی روز که حجم آمار کیف‌قاپی افزایش می‌یابد

#### فهرست منابع

- بیات، ناصر. (۱۳۹۷). درسنامه جغرافیای امنیتی-انتظامی. مقطع کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی. دانشکده فرماندهی و ستاد: دانشگاه علوم انتظام امین.
- توکلی، مهدی. (۱۳۸۴). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از جی آی اس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فرماندهی و ستاد: دانشگاه علوم انتظامی امین. ۱۳۸۴.
- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی. (۱۳۹۷). سامانه‌های جامع آمار و بهره‌دهی، رخداد انتظامی ناجا و جامع پلیس آگاهی ناجا.
- اخباری، محمد. (۱۳۸۵). فناوری نوین و کاربرد آن در ناجا. تهران: نشر معاونت آموزش ناجا.
- پرهیز، فرهاد؛ ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال؛ مشکینی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل مکانی کانون‌های جرم خیز در کلان‌شهرها مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان شهر تهران. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. ۵ (۴)، صص. ۶۸-۴۹. DOI: 10.22108/SSOSS.2017.21275

- جباری، محمد کاظم؛ نسترن، مهین؛ محمدی، محمود؛ کلانتری، محسن. (۱۳۹۷). تحلیل ساختار فضایی کانون های جرائم سرقت و مواد مخدر شهر تهران به روش چیدمان فضا با تأکید بر شبکه معابر. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۶، شماره ۲۳، صص. ۲۷-۵۰.  
[http://journals.police.ir/content.php?pagename=show-article&request\\_id=295297&journal\\_id=3](http://journals.police.ir/content.php?pagename=show-article&request_id=295297&journal_id=3)
- حاتمی نژاد، حسین؛ نجفی، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل فضایی زمانی کانون های سرقت جیبی بری و کش روزنی در شهر سمنان. جغرافیای اجتماعی شهری. ۵ (۱)، صص. ۱۳۷-۱۲. DOI: 10.22103/JUSG.2018.1965
- رحمت، محمدرضا. (۱۳۹۰). راهکارهای نوین پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
- ستوده گندشمین، مجتبی. (۱۳۹۵). سرقت شناسی قضایی پلیس. تهران، نشر کارآگاه.
- شکویی، حسین. (۱۳۶۹). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- علیجانی، بهلول. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی. ۲ (۳)، صص. ۱-۱۴.
- کلانتری، محسن؛ صالحی، رحمان؛ بیات رستمی، روح اله؛ و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۴، صص. ۱۶۰-۱۴۱.  
<https://ecc.isc.gov.ir/showJournal/1957/29231/528843>
- کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ و حجی ملایری، پریسا. (۱۳۸۸). تحلیل فضایی و پهنه بندی جرائم شهری زنجان با استفاده از جی آی اس. فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد. دوره اول، شماره دوم، صص. ۱۴۷-۱۳۳.  
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=117983>
- گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرائم. چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مجلسی، مریم؛ مردانی، حمید. (۱۳۹۱). شناسایی و تحلیل فضایی کانون های بزه کیف قاپی، جیب بری و کش روی در شهر زنجان. دانش انتظامی. شماره ۵۷، صص. ۱۱۶-۹۷.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/creator/300790>



- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۶). اصول و مبانی نظریه فرصت جرم. فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۷، شماره ۳، صص. ۲۹۳-۳۲۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران. نشر مرکز آمار ایران.
- مقیمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). دانستنی های پلیس آگاهی (مبارزه با سرقت). تهران: نشر معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم. چاپ اول، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- Butorac, K., and Jelena Marinović (2017). Geography of Crime and Geographic Information Systems. Journal of Forensic Sciences & Criminal Investigation. 2 (4), pp. 1-7. <https://juniperpublishers.com/jfsci/pdf/JFSCI.MS.ID>
- Clarke, R.V. (2001). Situational crime prevention: successful case studies. 2<sup>nd</sup> edition, Harrow and Hesston, New York.
- Clarke, R. V., & Eck, J. E. (2005). Crime analysis for problem solvers: In 60 small steps. Washington, DC: Office of Community Oriented Policing.
- Clarke, R. V., & Marcus Felson. (2004). Routine Activity and Rational Choice. Transaction Publishers.
- Hodgkinson, S., Tilley, N. (2007). 'Travel-to-crime: homing in on the victim'. International Review of Victimology, 14(3): 281-298. doi/10.1177/026975800701400301
- Montolio, D., Planells-Struse, S. (2013). Does tourism boost criminal activity? Evidence from a top touristic country. Crime and Delinquency. 62 (12), pp. 1-27. Doi: 10.1177/0011128713505489.
- Montoya, M. (2015). Modelling urban crime through workforce size: a test of the activity support concept. Environment and Planning B: Planning and Design 2015, volume 42, pp. 399 – 414. Doi: 10.1068/b120068p

- Vito, G. F., Maahs, J.R., Holmes, R. M. (2006). *Criminology: Theory, Research, and Policy*. (2nd Ed.). Boston: Jones & Bartlett.